

## وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۰۴ / ۱۱ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۳۰ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : کائنات از وجوب وجودش حاصل شدند!

### بسمه تعالی

#### کائنات از وجوب وجودش حاصل شدند!

تمام کتب فلسفی سرشار از بحث‌های فراوان درباره اثبات وجود خداوند متعال و شناخت ذات و صفات خداست. درواقع، یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه الهی موضوع واجب‌الوجود یا واجب‌الوجوب است و در اینجا نیز بحث در مقدمات آن است. باید گفت که هیچ‌کس را به حقیقت و کنه واجب‌الوجوب راهی نیست.

می‌دانیم «واجب» و «وجوب» در لغت به معنای ضروری و حتمی است و اگر به ترکیب لغت «وجوب» بنگریم، می‌یابیم که این کلمه از چهار حرف (و، ج، و، ب) تشکیل شده است، اما در درون این چهار حرف دریاهایی لایتناها غوطه‌ورند که هیچ‌کدام با وجود شکوه و عظمتی که دارند از یکدیگر آگاهی ندارند؛ این عدم آگاهی از جهل نیست، بلکه این حروف چون در اوج و در شور و شوق لانه‌ای‌اند و سرگرم شور خودند، شکوه و عظمت خویش را نمی‌دانند. این مطلب دقیقاً مانند نور و نورانیت آن است. اگر از نور درباره نور و نورانیت بپرسند، نمی‌تواند آن را تعریف نماید. همانطور که اگر از چشم، معنی چشم را بپرسند، چون غرق در عظمت و شکوه خود است نمی‌تواند آن را تعریف نماید. وجوب هم از همان کلماتی است که درظاهر با چهار حرف محدود شده اما اگر درون و جان آن را بشکافند، می‌یابند که هزاران رونده در این وادی غرق شده‌اند یا به حیرانی افتاده یا خویش را به حادثه‌های لحظه و زمان گم کرده‌اند و نتوانستند به کنه آن راه یابند.

درحقیقت، هیچ رونده‌ای نمی‌تواند به واقعیت و عینیت لغت وجوب راه یابد تا چه رسد به حقیقت واجب‌الوجوب. تنها می‌توانیم بگوییم، اگر در مسیر تحقیق در مبانی واجب‌الوجوب و در مسیر شوق و شور علم الهی و حقائق الوهیت هستید و در اشتیاق یافتن آن «لحظاتی»، نه تنها لحظات بلکه «ساعاتی»، نه ساعات بلکه روزها و هفته‌ها و ایامی به دور و کور آن به این نکات عالی‌هیه فرو روید و غرق در مبانی این عظمت شوید به یقین بدانید که به اندازه ظرف وجودتان سهمی از این وادی نصیب شما خواهد شد.

اما در این گفتار فلسفی می‌خواهیم از جلد ششم اسفار حضرت ملاصدرا (اعلی...مقامه) سخن بگوییم که مباحث آن پیرامون توحیداللهی حضرت حق و آفریده‌های اوست. آنگاه که این کتاب را به روی خویش بکشایید، خواهید یافت که تیتیر مطلب با این جمله آغاز شده است: «السفر الثالث... فی العلم الإلهی». قابل توجه اینکه، حضرت ملاصدرا چهار سفر را برای رسیدن آدم به مقام انسانیت قائل هستند که یکی از آنها سفر خلق به سوی حق و بازگشت دوباره او به سوی خلق است.

حضرت صدرا در صفحه اول از جلد ششم کتاب اسفار می‌فرمایند: «الحمد ل... الذی أنار بوجوب وجوده وجود الكائنات و أشرق بنور ذاته ذوات الإنیات و هویه الممكنات»؛ یعنی «سپاس می‌گذارم خدایی را که کائنات از وجوب وجودش لمعان یافت...». منظور از «کائنات» کهکشانشا، منظومه‌ها، هستی‌های آسمان و زمین هستند که از وجوب وجود خداوند پیدا و نورانی شدند؛ همانطور که هستی و انبیت واقعی موجودی مانند انسان از «انارا...» بروز کرد. آنجاست که یک عارف حق لب به سخن می‌گشاید که «خداوند، همین که نور تو بر این قشر و ترکیب ذره ذره‌های وجود من تابید، همه را روشن و نورانی کرد زیرا قبل از آن ذره ذره‌های بدنم با هم بیگانه بودند ولی تا تو پیدا آمدی پنهان شدم»؛ نام این خداست، یار و محبوب ما اینگونه است. آری، هستی‌ها، وجودها، بودن‌ها و تمام مجردات ما مانند روح، عقل، نفس، عشق و... از انارا... هستند؛ (هدف از «انارا...» نور در نور، نوری که در قرب است.) پس پیدایش هستی‌ها از نور وجودی است که هیچگونه اضطراب، تزلزل، اختلاف

و نقص در او نیست بلکه آنچه دارد اصلی بدون زائد است؛ اما اشراقات، انوار، شعاعها، نفوس و جواهر عقلیه از نور ذاتش پیدا شدند؛ یعنی آن لحظه ای که ذات اللهی اشراق کرد، شعاع پیدا شد.

توجه داشته باشید! بیان کردن لحظه، هنگام و زمان در ذات باریتعالی ننگجد و جایز نباشد ولی چه کند که انسانی ضعیف، ناتوان و در اندازه از او سخن می گوید و اگر در بیان کردن آن خطا کردیم، با این تحدید گفته ها به استغفار خود در مسیر توبه اقرار می نماییم. توضیحاً؛ طبق نظر بعضی از فلاسفه، عقل مطلق از ذات اللهی پیدا شد و از اشراقات او همه منور شدند.

و اما ای بیننده! به یقین ما را مخاطب قرار خواهی داد که چه شد از لابه لای این همه موضوعات فکری، علمی و تحقیقی به بحث اینگونه اقدام نمودیم؟ جواب آن است که ما در ابتدای متن از بیان حضرت صدراپی در جلد ششم اسفار به این وادی پر اوج و موج اندکی راه یافتیم تا از دررها و گوهرهایی که در این دریای بیکران نهفته اند برقشی را هم به شما تقدیم کنیم و اصولاً تعلیم و تعلم در این وادی خود شرافت بسزایی دارد و در جملات حضرت ملاصدرا فراوان یاد شده است؛ یعنی اگر آنکه درس می دهد و آنکه درس را فرا می گیرد تشبیه کنیم مانند عرش و کرسی، نور و منیر و آفتاب و روشنایی هستند؛ اما چگونه نور و منیر هستند؟

خدای متعال به آدم صفی ا... وحی فرمود: که ای آدم! کسانی که به سوی استنباط علوم می روند و علوم را فرا می گیرند، در نزد من نسبت به کسانی که عمارالارض می کنند؛ یعنی همه دنیا را می خردند و برای رضای خدا رایگان به مردم می دهند، فضیلتشان بالاتر است.

محقق و فیلسوف متأله حضرت استاد موسوی نیز بر این باورند که آموختن علمی که انسان را به حق و معنویت ها یا حقائق عالم نزدیک سازد و در جان او اثر عاطفی و روحانی داشته باشد و درونش را مبین و محکم سازد، مانند نور و منیر هستند.

منبع: رساله واجب الوجود، بارقه (1) حاصل تدریس و تحقیقات فیلسوف متأله استاد سیدعلی موسوی، ذیل تدریس جلد ششم اسفار